

■ **عصر روحانی** آغاز دوره‌ای از تاریخ ایران شد که پیش و بیش از هر چیز تمام مقدرات عمومی وابسته به نتیجه کنش بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران می‌شد

■ **بی‌عملی دولت و فراگیر شدن جوی از تعطیلات غیررسمی** در پروسه اجرایی کشور تا جایی پیش رفت که حتی صدای مهم‌ترین حامیان دولت را نیز در آورد

■ **دولتی که خود به بی‌عایدی بودن طرح دوباره مذاکره خارجی اقرار کرده است**، در فضای عمومی تنها راه گذار از وضع نامطلوب موجود را پرداخت هزینه‌های بیشتر در زمینه مراودات بین‌المللی تعریف می‌کند

زنگ انتخابات در فصل تعطیلات

صادق فرامرزی: سناریویی معمایی درست در لحظه‌ای که تماشاگران در انتظار باز شدن گره اصلی آن هستند به پایان می‌رسد و مخاطب را در نهایت سرگردانی ممکن با خود تنها می‌گذارد!

شاید از جمیع حالات، این فرض را بتوان حربه‌ای از سوی یک داستان‌نویس و فیلمساز دانست تا با پایدانی باز مخاطب را بیش از پیش در گبر معمای خودساخته خویش کند اما هیچ‌گاه این پایان باز را نمی‌توان به‌عنوان حربه‌ای موفقیت‌آمیز برای یک مدیر به حساب آورد. بی‌سرانجامی در این حالت چیزی جز بدسرانجامی یک ایده نیست. قرار گرفتن در تقاطعی که یک‌سوی آن «بن‌بست ایده‌ها» و سوی دیگر آن «تعطیلات اجرایی» است، بدترین سرانجامی است که می‌توان برای یک مجموعه‌مدیریتی در هر سطحی انتظار داشت؛انتظاری که بیش از هر چیز تمثیلی از وضعیت واقعا موجود دولت تدبیر و امید است.

۱ انسداد ایده مدیریتتی و پایان افسانه دیپلماسی

روحانی حیات سیاسی خود را به‌عنوان بازیگری که در تمنای کسب کرسی ریاست و تبدیل شدن به منتخبی از جانب مردم بود، با کلیدواژه‌هایی همچون «مذاکره»، «تعامل خارجی» و در نهایت با الگویی مبتنی بر «توسعه برون‌زا» آغاز کرد. او برای اولین‌بار دیپلماسی را از وسیله‌ای برای نیل به اهداف، تبدیل به هدفی کرد که باقی ابزارهای حکمرانی را مبدل به وسایل تحقق آن می‌دانست، از همین رو نیز عجیب به نظر نمی‌آمد که در این مسیر تا جایی پیش رود که پیش و پس تمام امور را مرتبط با عنصر روابط خارجه به‌عنوان تنها برگ برنده خود تعریف کند. ورود او به صحنه انتخابات زمانی جدی شد که در گفت‌وگوی ویژه خبری با پیش کشیدن دوگانه چرخ کارخانه و چرخ سانس‌تیغیوژ تلاش کرد اذهان عمومی را از انتخاب برنام‌ه‌های حکمرانی موجود میسای کاندیداهای مختلف به سمت انتخاب میان «مذاکره» و «نزوا» برده، ایده‌ای که بعدها با قدرتی بیشتر در مناظرات انتخاباتی پیگیری شد و از همین جهت فضای رقابت را بیش از هر زمان دیگر به سمت الگویی مطلوب وی هدایت کرد و همین مساله او را تبدیل به پیروز حداقلی در اول انتخاباتی کرد که تمام پیش‌بینی‌ها حاکی از دو مرحله‌ای بودن آن بود.

آغاز به کار روحانی در قامت رئیس قوه مجریه نیز مسیری غیر از مسیر انتخاباتی او نداشت، آغاز عصر روحانی آغاز دوره‌ای از تاریخ ایران شد که پیش و بیش از هر چیز تمام مقدرات عمومی وابسته به نتیجه کنش بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران می‌شد. در این میدان نیز او تقریبا تمام انرژی خود را صرف آن کرد تا باوری گسترده مبنی بر این فرض به‌وجود آورد که نجات جمعی از مسیری جز رنر پیش گرفتن یک تابعیت جهانی نمی‌گذرد، او در این مسیر به حداکثری‌ترین اختیارات ممکن نیز دست یافت و پخش قابل توجهی از تابوهای تثبیت‌شده سیاسی ایران را نیز شکست و با پیش کشیدن گفت‌وگوی مستقیم با ایالات متحده و پذیرش محدودیت‌های حداکثری زمینه را برای اول دست یافتن به توافق هسته‌ای هموار کرد. درست در زمانی که دولت او با ایده «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» به جدال با منطلق «عدم توافق بهتر از توافق بد است» غربی‌ها رفته بود، به شکلی روزمره تمامی بخش دیگری از وضعیت موجود را معلول مناسبات بین‌المللی دانست، روحانی

انسداد ایده‌های مدیریتی، پیش از هر چیز دولت را به موقعیت شبیه تعطیلات غیررسمی برد. درست در فضایی که شاهرگ ایده‌های اجرایی دولت زیر تیغ رفته بود و عدم ثبات اقتصادی بالاترین حد نارضایتی عمومی را ایجاد کرده بود، روحانی و همراهانش به اوج انفعال و بی‌عملی در عرصه مدیریت اجرایی کشور رسیدند، رشد چندصد درصدی نرخ ارز که بیش از خروج ترامپ از برجام میوه خلق نقدینگی افسارگسیخته در دولت اول روحانی بود و سیاست‌هایی همچون تخصیص غیرشفاف ارز دولتی به گروهی از فعالان اقتصادی که به اذعان جراید حامی روحانی مولد یکی از بزرگ‌ترین فسادهای اقتصادی تاریخ ایران بود و اثرات انکارناپذیر این رفتارها بر موقعیت معیشتی مردم، سطح مطالبات عمومی از دولتمردان را به بالاترین حد ممکن رساند اما شاید تنها پاسخی که در این میان به جامعه داده شد توصیه به صبری منفعلانه با امید تغییر رئیس‌جمهور آمریکا در انتخابات سال آینده بود. بی‌عملی دولت و فراگیر شدن جوی از تعطیلات غیررسمی در پروسه اجرایی کشور تا جایی پیش رفت که حتی صدای مهم‌ترین حامیان دولت را نیز درآورد. محمدعلی و کیلی، سخنگوی ستاد انتخاباتی روحانی در انتخابات

۳ فرار به جلو و نگاه به عقب

موقعیت توصیف شده نمایی کلی از وضعیت واقعا موجود دولت حسن روحانی در ۲ سال پایانی عمر سیاسی خود است. اگر تمام دولت‌ها از سال ششم با کاهش اقبال عمومی و افزایش تنش‌های درونی دست و پنجه نرم کرده‌اند، موقعیت دولتمردان کنونی از جهات زیادی فرغ‌نچتر است. در این میان دولت در میانه‌ای از ۲ پیش‌فرض برای مواجهه با آینده سیاسی خود قرار دارد؛ بی‌فرض اول دولت را به سمت تغییر تاکتیک و نظر افکندن به سوی دلاشته‌ها و ظرفیت‌های داخلی و کاهش سهم سیاست خارجه به‌عنوان تنها رویکرد اتخاذ شده می‌برد، فرضی که پیش از همه به معنای عبور از «ایده» اولیه برای احیای «مدیریت» داخلی در جهت اصلاح وضعیت نابسامان است. این ایده هرچند رگه و ریشه‌هایی از آن در برخی مواضع رئیس

مرگ تدریجی یک ایده

موضوع	تاریخ	مصاد
پیوند زدن اقتصاد با مذاکرات هسته‌ای	۱۳۹۲/۳/۱۷	۱
وعده عبور از دیوار تحریم‌ها	۱۳۹۲/۳/۳۰	۲
پایان تحریم‌ها شرط توافق هسته‌ای	۱۳۹۶/۱/۲۶	۳
پیوند زدن همه مشکلات کشور به موضوع تحریم‌ها	۱۳۹۴/۳/۱۷	۴
مذاکرات هسته‌ای بازی بر– برد است	۱۳۹۴/۴/۲۴	۵
مذاکرات هسته‌ای ۲ بر یا سود ما تمام شد!	۱۳۹۴/۴/۳۱	۶
قسم درباره کند نشدن برنامه هسته‌ای	۱۳۹۴/۷/۱۹	۷
عایدی برجام هیچ بود	۱۳۹۵/۱/۲۸	۸
تشبیه برجام به درخت گلابی	۱۳۹۵/۸/۲	۹
دیوانگی خواندن مذاکره با آمریکا پس از خروج از برجام	۱۳۹۶/۸/۶	۱۰
برجام در آی‌سی‌یو است	۱۳۹۷/۴/۱	۱۱
تغییر موضع درباره بازی بر– برد برجام	۱۳۹۸/۲/۱۸	۱۲
اذعان به اشتباه بودن امضای برجام	۱۳۹۸/۵/۲۸	۱۳
آمادگی برای مذاکره با ترامپ پیش از سفر به نیویورک	۱۳۹۸/۶/۴	۱۴
تغییر موضع درباره مذاکره با ترامپ	۱۳۹۸/۶/۵	۱۵
اذعان به ناتوانی و بی‌ارادگی اروپا	۱۳۹۸/۷/۴	۱۶

بیماری شش سالگی!

بازخوانی

افت محسوس رضایت از دولت تدبیر و امید و گسترده شدن امواج نارضایتی‌های معیشتی و اجتماعی از یک‌سو و شکست پروژه‌های حیاتی دولت در حوزه‌های همچون سیاست خارجه، بهداشت و درمان و... باعث شده به منظری کلی بتوان دولت روحانی را نیز همانند دولت‌های پیشین دولتی شکست خورده در دوره دوم حکمرانی خود دانست. علل شکست دولت‌ها در چند دهه اخیر آنقدر شباهت زیادی به یکدیگر داشته و دارد که می‌توان با روی هم سوار کردن‌شان حتی شاهد تکرار سناریویی نسبتا واحد پیرامون سرنوشت محتوم دولت‌هایی بود که تنها مدت کوتاهی پس از اوج‌گیری در صندوق‌های رای با سقوطی عجیب تبدیل به نه‌ا و نیرویی با ضریب منفی شده‌اند. تجربه وضعیت مشابه در

شنبه ۱۱ آبان ۱۳۹۸
وطن امروز | شماره ۲۷۸۱

سیاست



۲ بی‌عملی مدیریتی و تعطیلی غیررسمی



سال ۹۶ با توصیف دولت تدبیر و امید به «دولت پیر، سیر، کُند و پروژهای» که هیچ تگه‌کلائی به مسائل کشور ندارد، تنها حسن آن را این دانست که «دولت ریسی» نیست! سعید لیلاز، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران نیز در مصاحبه‌ای با اعلام آنکه «اختیاراتی که آقای خامنه‌ای به روحانی داده اگر به چوب داده بود تا الان یک کاری کرده بود» تمام مسؤولیت وضع موجود را متوجه روحانی دانست که به هیچ‌کدام از هشدارهای ارزی که به وی داده شده اعتنایی نکرده است. رسول منتجب‌نیا از هیأت موسسین حزب اعتماد ملی نیز با تلاش برای فاصله‌گذاری

دولت و کابینه‌اش در مواجهه با مشکلات نمایان می‌شود اما در هیچ سطحی از سیاست‌گذاری‌های دولت مشهود نیست و در قالب انترتانیوهای دولت برای تغییر مسیر حکمرانی خود جلوه‌گر نشده است. اما پیش‌فرض دوم تلاش برای کافی ندانستن راه طی شده در مسیر «ایده» اولیه دولت با گروگانگیری «مدیریت» داخلی است. در این پیش‌فرض سعی دولت به‌سویی خواهد رفت که با ناکافی دانستن مسیر طی شده خود در عرصه سیاست خارجه، از نارضایتی‌های موجود به‌عنوان ابزار فشار برای دادن امتیازهای بیشتر استفاده کند.

طرح ایده «فراندوم» از سوی دولتی که به گفته حامیان‌ش

رک‌ورده بهره‌مندی از اختیارات کلان را داشته، هر چند روی

کاغذ بخشی از توانایی قانونی است اما در دیدی کلان‌تر بازتابی

از یک تلاش هدفمند برای قدم گذاشتن در مسیر گذشته با چشم‌اندازی از بهبود در آینده سیاسی است. دولتی که خود به بی‌عاید بودن طرح دوباره مذاکره خارجی اقرار کرده است، در فضای عمومی تنها راه گذار از وضع نامطلوب موجود را پرداخت هزینه‌های بیشتر در زمینه مراودات بین‌المللی تعریف می‌کند. نزدیک شدن به فضای انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند پیش رو به احتمال زیاد بار دیگر دولت را به تحریک برای خلق دوگانه دولت– حاکمیت نزدیک خواهد کرد و طرح موضوع رفتارندوم می‌تواند گام نخست برای استیلا بخشیدن به چنین نقشه‌ای باشد؛ نقشه‌ای که در آن دولت از «تعطیلات مدیریتی» به‌عنوان گروگانی در جهت استحکام «ایده به بن‌بست رسیده» اجرایی خود بهره ببرد.